

## بررسی تطبیقی وقف در مذاهب اسلامی و حقوق ایران

محمدحسین مشکاتی<sup>۱</sup>

امیررضا صالحی<sup>۲</sup>

### چکیده:

وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. و در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک است و مصرف کردن منافع آن در راه خدا. وقف حبس عین است بر ملک خدایتعالی. هدف از تحقیق حاضر بررسی تطبیقی وقف در مذاهب اسلامی و حقوق ایرانی بوده و در ابتدا با وقف و ارکان آن آشنا می شویم و سپس تعاریف ادیان مختلف در مورد وقف را جویا می شویم و در آخر وقف در مذهب اسلامی را با وقف در حقوق ایران بررسی می کنیم.

**کلید واژه ها:** وقف، مذاهب اسلامی، حقوق ایرانی، قانون مدنی، فقهی

### مقدمه:

گرچه وقف در ادیان دیگری نیز نظایری دارد، اما در جهان بینی اسلامی، از قوه‌های محرکه ایجاد، حفظ و نشر معارف اسلامی، بزرگداشت مراسم مذهبی و برآوردن نیازهای متنوع مادی انسان، و موجب رستگاری او در جهان عقبی است. (موقوفات در اقتصاد و سازمان فضایی جامعه (در شهر نفت))

بدین ترتیب امت اسلام در پدید آوردن نوعی از فرهنگ معنوی و مادی نظیر سکونت گاه‌ها و چهره پردازی محیط طبیعی زیست، باید دارای ویژگی‌های ممتاز از سایر فرهنگ‌ها باشند بدین معنی که همه چیز در آن باید رنگ و بوی فرهنگ وحی دهد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

<sup>۱</sup> - دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی الیگودرز.

<sup>۲</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی الیگودرز.

در میان آثار برجسته اسلام شناسان و تاریخ شناسان سرزمین‌های اسلامی می‌توان به مطالعات دانشمندانی چون گابه و ویرث درباره حلب و اصفهان، اینالچیک درباره امپراتوری عثمانی و استانبول و مانتران درباره استانبول و یا بررسی‌های رایموند درباره قاهره و حلب، مؤمنی درباره ملایر، مؤمنی و اهلرس درباره تفت، شفقی درباره اصفهان، که همواره خصلت شهر آفرینی موقوفات را نشان داده‌اند، اشاره کرد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

یکی از مهم‌ترین تاسیسات حقوقی حقوق بخش خصوصی کشور یعنی عقد وقف و لواحق آن پرداخته و آن را از چند جهت مختصر مورد امعان نظر و بررسی قرار داده ایم. لذا نتیجه کار را به هیچ رو خالی از عیوب تحقیق و بی نقص نمی‌بینیم هم از آن رو که چنین موضوعی (وقف و الخ..) بنا به سوابق شرعی و نفوذی که در اعتقادات و باورهای مذهبی در این ملک در زمان وضع قانون مدنی مدرن و مدون به صورت کنونی (طی سالهای ۱۳۰۷-۱۳۱۱-۱۳۰۹) داشته بدان راه پیدا کرده و بخشی از جلد نخست قانون مدنی را به خود اختصاص داده است و این مهم گستردگی دامنه و حساسیت و ایضاً اهمیت این کابین و عقد معین حقوقی را که دست بر قضا کاربرد بسیار زیادی نزد ایرانیان و روابط حقوقی شان داشته و دارد نشان می‌دهد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

جلد نخست قانون مدنی ایران<sup>۳</sup> که به تصویب مجلس شورای ملی رسید و شامل مباحث اموال و نحوه تملک آنها (اعم از منقول و غیر منقول) الخ می‌باشد. از ماده ۵۵ (مبحث دوم؛ در وقف) الی ماده ۹۱ این قانون اختصاص به عقد وقف و مسایل مربوط به آن یافته است که این قانون عمومی و مادر به وسیله قانون خاص تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲، تخصیص خورده است. مفهوم این جملات در رایج نزد حقوقدانان اینست که آن ۳۷ ماده مصرح در باب نخست قانون مدنی به وسیله این قانون موخر التصویب دچار اخراج حکمی گشته است (به این معنای ساده و همه فهم تر که پاره ای از مصادیق قانون عام (ق.م) به توسط قانون اوقاف از احکام اصلی خود خروج پیدا کرده اند) لیکن بنا به اهمیت موضوع وقف ما به همان ۳۷ ماده اصلی و مرجع واقعی می‌پردازیم تا نخست به تکمیل و بررسی داشته‌ها و فایل‌های اصلی و دسته بندی آنها رسیده باشیم و آنگاه جزئیات را مورد لحاظ واقع خواهیم کرد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

<sup>۳</sup> Iranian Civil Law

در ایران باستان موضوع وقف و هبه و هدایا هم به مانند دوران اسلامی از ابواب فقه و یا حقوق (داتستان) بوده است. در تمهید از برای بیان مطلب، نویسنده ناگزیر از اشاره و ارجاع به یک رساله‌ی خود در تاریخچه‌ی علم اصول، با عنوان «رابطه‌ی عقلی و نقلی در فقه» است، که چند سال پیش در کنگره‌ی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری - رحمه الله علیه - ارائه نموده و تاکنون چندین بار به طبع رسیده؛ از جمله این نکته بیان شده که اسلام شناسان اروپایی در مبادی رومی و یهودی مکاتب فقه اسلامی فحوص بلیغ کرده و داد سخن داده‌اند که گاه خالی از مبالغه یا شوائب اغراض نیست. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵)

آنان بر این عقیده‌اند که اعراب بدوی صدر اسلام چون بلاد متمدن سوریه، روم و میان رودان (بین النهرین) را فتح کردند، ناچار شدند در امور تشریحی هم، خود را با شرایط جوامع متمدن مغلوب تطبیق دهند. به عبارت دیگر، قوانین و شرایع تمدن‌های قدیم ممالک مزبور بر امر شریعت گذاری آن مردم بدوی تأثیر قوی و تعیین‌گر داشته؛ مطالعه‌ی تطبیقی فقه اسلامی با قوانین رومی و یهودی را مؤید این نظر دانسته‌اند. تصدیق اعتباری این نظر مبنی بر این واقعیت است که سرزمین‌های سوریه و شام قبل از فتوحات اسلامی جزو ممالک امپراتوری روم محسوب می‌شد و طبیعی است که قوانین رومی در آن نواحی جاری و معمول باشد. بنابراین منطقی است که در خصوص سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی، با قیاس به سرزمین‌های غربی آن (روم) و هم بنا بر امور واقع تاریخی نتیجه گرفت که برخی از اصول و فروع فقهی در این نواحی نیز مشابه با قوانین ایرانی و متأثر از شرایع مزدیسنايي بوده باشد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵)

دانسته است که سرزمین میان رودان بالتمام جزو امپراتوری ایران باستان بوده، فلذا مکتب فقهی «عراقی» در مبادی خود متضمن وجوه اختصاص برجسته به ایران است. متأسفانه درباره‌ی سرچشمه‌های ایرانی فقه اسلامی - که قسمت اعظم مبادی فقهی مذاهب بزرگ شیعی، حنفی و شافعی بدان اتماء می‌یابد - تاکنون هیچ مطالعه‌ی تطبیقی صورت نگرفته است ما سبب قصور عملی محققان خودمان را در این خصوص طی رساله‌ی پیش گفته تا حدی بیان کرده‌ایم، هم اینکه تنها دانشمند ایرانی استاد فقید آیت الله مرتضی مطهری - رحمه الله علیه - در کتاب ناتمام خود خدمات متقابل اسلام و ایران اشارات چندی از جمله به مبادی ایرانی فقه مذاهب اسلامی دارد. اما مهمترین منابع ایرانی موجود برای مطالعات تطبیقی، خصوصاً مظان فروع فقهی فرق شیعه تنها در متون پهلوی دینی باقی از عهد ساسانی عبارتند از:

۱. دینکرد، نوشته‌ی موبد آذر فرنبغ که علاوه بر احتوا بر مسائل فلسفی و کلامی، کتاب هشتم متضمن مباحث فقهی و حتی بعضی خلافات مربوط به کیش‌های مانوی و مسیحی است. بخش‌های داتیک (قوانین و احکام) شامل آیین‌ها و مقررات و قوانین زندگی در این جهان است. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

۲. داتستان دینیک (آرا و فتاوی فقهی) نوشته‌ی منوش جیهر برادر موبد آذر فرنبغ (نویسنده‌ی دینکرد) که یک کتاب قانون در عهد ساسانی به شمار می‌رود، از جمله شامل مباحث مربوط به ارث و قیمومت و تولیت اموال و سایر مسائل حقوقی و شرعی است.

۳. ماتیکان هزار داتستان<sup>۴</sup> (مجموعه‌ی آرا و فتاوی فقهی و حقوقی) که در واقع یک «شرايع الاحكام»<sup>۵</sup> مفصل و عمده‌ترین کتاب قوانین عهد ساسانی، متضمن مسائل تشریحی، احکام قضائی، اجرای احکام و جز اینهاست، که جامع و مدون آن فرخ و مردوهرامان بوده است. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

به طور کلی می‌توان گفت که مجموعه‌های فقهی ایران باستان اولاً با اصول منسجم و مبانی موسع به مراتب کاملتر و جامع‌تر از مجموعه قوانین یا به اصطلاح «کد» های مشهور روم باستان و امپراتوری بیزانس می‌باشد، ثانیاً مجموعه قوانین ایرانی (زردشتی - مغانی) علی‌التحقیق بر قوانین معروف «تلمودی» یهودان تأثیر قوی و نافذ داشته است؛ حتی می‌توان و باید گفت که خود احبار یهود حین تحریر اسفار و کتب تورات در عهد هخامنشی، سخن از انسجام قوانین مادان و پارسان (یعنی آرای فقهی و احکام شرعی مغان و موبدان آن زمان) رانده‌اند که قوانین ثابت و تغییر ناپذیری است. الحق که مجموع آرای فقهی و قوانین ایران باستان، یکی از مجموعه‌های جامع و جالب در جهان و از موارث حقوقی گرانبار نوع بشر است، که محصول تمدن و حیات اجتماعی چند هزار ساله‌ی ملت کهنسال ایران می‌باشد؛ ولی متأسفانه این فقره در حوزه‌ی مطالعات ایران شناسی چندان محل عنایت و توجه محققان نبوده است. نویسنده کوشیده است (و خواهد کوشید) تا در بخش حقوقی و مدنیات کتاب فهرست ما قبل الفهرست خود، حتی الامکان حق این مطلب را ادا کند و تا حد میسر جبران مافات نماید. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

## مبانی نظری

<sup>۴</sup> Color thousand Datstan

<sup>۵</sup> Religious laws Ahkam

پیداست که شخص متولی تعیین شده برای اجرای خیرات یا امر مذهبی در ترحیم کسی، باید یک خویشاوندی نسبی یا سمت قایم مقامی شخص که وقف را معین نموده داشته باشد؛ پس توقع از وی چنان است که مال منقول در وقف را برای قصد و نیت موقوفه یا موقوفات به کار برد، باید در اجرای امر خیر با هدایا و سهمیه‌ها اقدام کند. در بهر ۲۶ (هدایا و هبات) گوید وقتی ممکن است این امر فسخ شود، که غیر شرعی بوده باشد یا اینکه هر از گاه تغییر یابد؛ ولی تمام هبات خاص در وقف معین خود مقبول می‌باشد. (مومنی، مصطفی، «ردیابی فرهنگ وحی در ساختارشناسی فرهنگی، ۱۳۶۵»)

هدایا ممکن است به زن شخص و اولادش، به طور واقعی یا به صورت مجسم به پدر و مادر شخص، بردار و خواهر و دیگر منسوبان داده شود. نیز ممکن است به آشنایان و بیگانگان و به خیریه داده، یا در مقاصد مذهبی صرف شود. هدیه یک بار داده می‌شود و نباید به طور ثابت آن را داد، نیز نمی‌توان آن را به استثنای موارد غیر شرعی نقض کرد؛ و هم به استثنای وقتی که به زن و دختر داده شود، تغییر نکند و پس گرفته نشود، زیرا که در این مورد راهی جز کسر کردن از جهیزیه‌ی دختر ندارد. (دکتر جعفری، لنگرودی، مبسوط ترمینولوژی، ۱۳۷۴)

هدیه باید رسماً اعلام شود، با یک هبه نامه یا یک وصیت‌نامه، که اعلام این دو بدون صیغه است؛ اما اینها می‌تواند با وصایا تغییر یافته یا با وصایای بعدی فسخ شود. اگر هدایای غیر مشروع به زن یا فرزندان شخص زن بر حسب ارث شرعی داده شود، بهای آنها ذمه‌ای است که دعوی حقوقی بر طلبکار معتبر باشد. هدایا فقط باید برای یک دوره‌ی معین یا تا مدتی که دهنده مایل است ادامه یابد؛ و شرایط هدیه کننده این است که تصرف وی بر مال محرز شود، هر چند که در موارد عادی این امر معمول نباشد؛ دیگر آنکه هویت مهدی الیه معلوم و خواهان دریافت آن باشد. (عبدالستار عثمانی، محمد، مدینه اسلامی، ۱۳۷۶)

در خاتمه مناسب است که اشارتی هم به امر وقف در نزد مانویان برود، آنان چنان که دانسته است بر دو گروه بودند: یکی گزیدگان (صدیقون) و دیگر نغوشاکان (سماعون) که هر دو گروه کار می‌کردند؛ یعنی، اهل حرفت و فنی بودند؛ اما خیریه‌ی گزیدگان از برای نغوشاکان در زبان پهلوی «روانگان» نام داشته - یعنی - آنچه ناظر بر امر روح می‌باشد. (مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضاء، ۱۳۲۸)

البته باید عرض کنم که همین نهاد روانگان برای مزدیسنان هم که یک مؤسسه‌ی مذهبی بوده (از جهت مرحومان یا در پهلوی «بهشت بهرگان»، که امروزه «جنت و رضوان آشیان» یا «رضوان الله علیهم»، تعبیر می‌شود) در عهد ساسانی جنبه‌ی رسمی و دولتی هم داشته، دارای وزیر و ۱. مقامات ذی ربط مرکزی و محلی با

ساختاری شبیه به سازمان اوقاف امروزی، که بهری از آیین‌ها و قوانین مربوطه هم پیشتر گذشت. (احکام وقف در شریعت اسلام، ج ۱، ۱۳۶۴)

### پیشینه تحقیق

اکنون که باب «وقف» را از کتاب ماتیکان هزار داتستان اشارت‌وار گزارش می‌کند، مایل است که نکته‌ای در مورد این مجموعه‌ی فقهی سترگ بیفزاید، اینکه متن پهلوی آن خوشبختانه یکجا چاپ شده و گویا قرار بود که زبان شناسان پهلوی‌دان آن را به فارسی ترجمه کنند، اما متن متداول اثر که بسیار هم نایاب است، ترجمه‌ی انگلیسی دانشمند پارسی شادوران سهراب جمشید جی بولسارا می‌باشد، که به سال ۱۹۳۶ در بمبئی چاپ شده و همراه با یک حروف گردانی لاتینی منسوخ (طی صفحات مقابل هم) و نیز به نثری نارسا و دشوار است. (دونالدن ویلبر، معماری ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۴۶)

باری، تنها در حدود موضوع وقف در ایران باستان با بهری از مقدمه‌ی مرحوم بولسارا بر کتاب ماتیکان هزار داتستان، که به معنای مجموعه‌ی هزار فتاوی فقهی و «هزار» به مفهوم عدد کثیر می‌باشد، در این باب ملخصا همراه با بعضی فقرات در باب هدایا و هبه و برخی یادداشت‌های بولسا را گزارش می‌نماید:

وقف در ایران باستان، هم به گونه‌ی خاص بود و هم به گونه‌ی عام؛ و اما خاص چنان بود که مال برای مدتی محدود یا مدت حیات شخص و پس از آن جهت اولاد وقف می‌شد. وقف عام برای خیریه یا مؤسسه‌ی مذهبی، ترحیم سالانه، خیر اموات، اولد بیوه زنان و نگهداری از آنان و مقاصدی شبیه بدان، خلاصه برای اجرای یک نیت خاص اوقاف برقرار می‌باشد. ( MATIKAN E HAZAR DATASTAN translated by S.J. Bulsara Bombay ) (۱۹۳۷)

باید گفت که موقوفات در مورد زنان هم به مانند مردان بود، یعنی زنان هم مثل مردان از وظیفه‌های اوقاف بهره‌مند می‌شدند؛ و آنان نیز بایستی پیش از واگذاری رقبات، آیین سوگند برای امانت داری نسبت به وظایف خویش بجای آرند؛ زن یا مرد نسبت به تودیع رقبه حسب نوبت‌های مقرر و بر طبق شرایط عام شرعی مذکور در وقف‌نامه مکلف می‌بود. (سلیمی‌فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، ۱۳۸۹)

مال موقوف کلا نباید فروخته شود، مگر وقتی که خصوصا وقف از برای هزینه و کاربرد بر طبق حکم دایر شده باشد. در مورد مصرف مال البته بنیاد وقف می‌تواند درآمد جاری را برای نیت واقف به کاربرد؛ استفاده‌ی بد از

مال وقف، بنیاد را ملزم به اصلاح هر گونه نقص و عیب نموده، که بادی متولی امر آن را صحیح و سالم به جانشین شرعی تحویل دهد. (میراحمدی، مریم، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، ۱۳۸۳)

اگر متولی موقوفه‌ای درگذشت یا تولیت خود را به دلیلی از دست داد، بنیان وقف به جانشین (نایب) شرعی او واگذار می‌شود؛ و اگر این جانشین موجب خسارت به مال وقف شود، باید نسبت به جبران و رد عین به واقف اقدام کند. هر گاه موقوفه‌ای به فسخ رسید، می‌تواند به وقف دیگری حتی بدون وقف‌نامه تبدیل شود، البته اگر تکلیف خاص و معینی بر ذمه نداشته باشد. وقف می‌تواند در غیر آتشکده، یعنی به صورت عرفی هم، جهت خیرات و ترحیم و شخص بوده باشد، و در مورد وقف خاص از جمله موقوف علیهم بزرگترین دختر زن قانونی شخص تواند بود، اموال صغار توسط پدر یا مراجع شرعی مادام که به سن قانونی نرسیده‌اند در حیطه‌ی ضبط می‌باشد، سهم پسر توسط پدر تا ده سال و مال زن بیوه از برای فرزندان او؛ هم چنین اگر موقوف علیه زنی شوی ناکرده باشد، باید سهم خود را به واقف یا جانشین او جهت امر تزویج خود تودیع نماید. (شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، ۱۳۸۷)

اینک تلخیص کامل ۱۳ بند فصل هیجدهم در باب خیرات و مبرات که در نهاد آتشکده ثبت شود و رقبات اوقاف از برای ترحیمات:

۱. برای ترحیم اگر از عایدات شرعی باشد، و اگر از این مقوله نباشد باید مبلغ معتابهی به مصرف هبات برسد.
۲. شخص باید برای خیرات و مبرات وقف‌نامه بنویسد، مراتب را اعلام نماید و کسی را متولی سازد، که مال را به جهت همان نیت به مصرف رساند.
۳. واقف باید مال موقوفه را که خاص باشد یا عام رسماً اعلام کند.
۴. واقف باید بنویسد که موقوفه‌ی خاص چقدر از عواید کل وقف باشد و چقدر صرف ترحیمات شود.
۵. واقف چون کسی را متولی موقوفه کرد، نمی‌تواند از او بخواهد که چیزی از عواید موقوفه را به او دهد؛ حتی اگر عایداتی بیشتر از آنچه معین شده به حاصل آید.
۶. وقتی صیغه‌ی وقف جاری شد، واقف دیگر نمی‌تواند از آن نکول کند، زیرا برای نیت خیر مال را وقف کرده است.

۷. واقف مال از برای امر خیر، باید ذکر کند (بنویسد) که آن قابل انتقال است، یا اعتباری برای غیر هم دارد یا نه.

۸. اما اگر اعتباری از برای غیر ندارد، شروط امر باید قید گردد.

۹. واقف باید اعلام کند که مال موقوفه‌اش را برای خیرات، شرعا نمی‌توان به فروش رساند یا از دست داد، هر چند که می‌توان محصول آن را شرعا به فروش رساند؛ لذا اصل مال شرعا از دست نمی‌رود و البته می‌توان آن را به جانشین شرعی‌اش رد کرد.

۱۰. اگر متولی مرتکب جرمی شود که ادامه‌ی کارش ممکن نگردد، تولیت امر منقضی نگردد و در این مورد جانشین شرعی او نیابت یابد.

۱۱. در این گونه موارد باید تمام وجوه شرعی‌ی وقف بر خیرات و مبرات، بنا بر آیین‌های مزد یسنایی طی ایام و شهور معین و مقدس به مصارف منظور واقف برسد.

۱۲. متولی می‌تواند برای امور وقفیه یک تن را به نیابت از خود بگمارد.

۱۳. هر گاه کسی روزی - معمولا هر مزدروز از هر ماه - را برای خیر اموات قرار دهد، باید همان روز برای آمرزش و رحمت وی آیین را برگزار نماید.

### تعریف وقف:

در ماده ۵۵ از ق. مدنی قانونگذار چنین مقرر کرده است، وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. (ماده ۵۵ از قانون مدنی)

در خصوص این ماده استاد دکتر جعفری لنگرودی در کتاب مبسوط ترمینولوژی‌شان در صفحه ۷۵۲، ذیل فقره شماره ۶۰۵۶، چنین فرموده اند: وقف عقدی است که به موجب آن مالک عین مال معینی از اموال خود را از نقل و انتقال مصون کرده (حبس) می‌کند و منافع آن را در اختیار شخص یا اشخاص یا مصرف معین می‌گذارد (مبسوط ترمینولوژی، دکتر جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴)



ملاحظه می شود و از تعریف مندرج در قانون نیز برمی آید که وقف، عقد محسوب می شود و نه ایقاع زیرا به اراده ی دو شخص (آنهم حقیقی نه حقوقی) که قصد انشا و و انجام عمل وقف را دارند ایجاد می شود نه به صرف اراده واحد و آن ها که در وقف اراده شان عامل اصلی است شخص واقف (کسی که اقدام به وقف می نماید) و موقوف علیهم (کسانی که قرار است از وقف بهره مند شوند) می باشند که ممکن است عام باشند یا خاص و بین این دو فرق است. (مبسوط ترمینولوژی، دکتر جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴)

## شرایط وقف :

علامه حلی در شرایع الاسلام چهار شرط برای صحت وقف را لازم دانسته است :

۱. دوام - یعنی وقف باید ابدی باشد نه موقت (موقت حبس است).
۲. تنجیز - یعنی وقف معلق و مشروط نباشد (قطعی و محکم باشد).
۳. به تصرف دادن - یعنی مسلط کردن موقوف علیهم یا متولی یا حاکم بر موقوفه و برداشتن تسلط خود از آن .
۴. از خود بیرون کردن - یعنی بر خود وقف نکردن. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

اکثر علما از جمله مرحوم شیخ طوسی و صاحب جواهر و حضرت امام خمینی (ره) شرایط اربعه فوق را در جهت وقف لازم می دانند. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

قلمرو و منابع وقف

## وقف از نظر قرآن :

باید گفت وقف از مختصات نظام حقوقی و اقتصادی اسلام است. وقف در اسلام دارای ویژگیهایی است، پیش از هر مطلبی نگاهی به منابع اربعه می اندازیم و به عنوان تیمن و تبرک بحث را از قرآن کریم آغاز می کنیم.

قرآن مجید اصیلترین منبع معارف و حقوق اسلامی است - لذا برای دستیابی به اصل و ریشه هر مطلبی پیش از هر منبعی باید به قرآن مراجعه کنیم. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

درباره عطایای منجزه مانند وقف و سکنی و صدقه و هبه و غیر اینها در قرآن مجید آیاتی مخصوص به این امور نیست لیکن آنچه عموماً بر فعل خیرات و تحریض به آنها دلالت دارد دال بر این امور نیز هست. راوندی و معاصران او از آن جمله سه آیه را در اینجا آورده اند. ولی می توان از باب اولویت به آیات مربوط به انفاق و احسان و قرض الحسنه و تعاون و صدقه، به جواز و بلکه به رجحان و استحباب وقف استدلال کرد. علاوه بر اینها آیه ۴۶ سوره کهف و آیه ۷۶ سوره مریم دلالت روشنتری بر جواز و رجحان وقف دارند. (شرایع الاسلام، ۶۷۶-۶۰۲ ه.ق. ج ۱)

وقف عملی است صالح و باقی، و مصداق روشنی است از تعاون و تعاضد، و انفاقی است عاری از منت، و احسانی است خالی از اذیت و بدور از تحقیر شخصیت دیگران، و تصدقی است دایمی و مستمر و بدون ریا، و وامی است بدون اضطراب و تکاثر و بروز اختلافات فاحش طبقاتی به صورتی معقول مبارزه می شود، و برگ سبزی است که به گور فرستاده می شود. و سرانجام عاملی است که نام واقف را نیز جاودان می سازد و وی را به نوعی خلود و بقا می رساند. (شرایع الاسلام، ۶۷۶-۶۰۲ ه.ق. ج ۱)

### وقف از نظر سنت :

دومین منبع وقف سنت است - و سنت به قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جای دیگر - به قول، فعل و تقریر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و یا اصحاب تعریف شده است.

واقدی در کتاب مغازی، نقل می کند که اراضی مخیرق را به موجب وصیتی در اختیار حضرت محمد صلی الله علیه و آله گذاشته بودند و حضرت آنها را وقف فرمودند. (شرایع الاسلام، ۶۷۶-۶۰۲ ه.ق. ج ۱)

در روایتی منقول از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، حیطان هفتگانه (دلال، عواف - اعراف - عراف - عوالی (حسنی، صافیه، مال ام ابراهیم (مشریه ام ابراهیم) مبیث (مثیب، مبثبه و برقه)، موقوفه و یا موقوفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده اند که بعد از رحلت آن حضرت در اختیار حضرت فاطمه علیها السلام بود که بعدها دعوایی در مورد آنها مطرح شد و حضرت علی علیه السلام بر وقفیت آنها شهادت دادند و حضرت فاطمه علیها السلام نیز آنها را موقوفه معرفی فرمود. (شرایع الاسلام، ۶۷۶-۶۰۲ ه.ق. ج ۱)

گروه کثیری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در حال حیات حضرتش و با تایید آن حضرت هر کدام مالی یا اموالی را وقف کردند چنان که گروهی هم بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام به وقف نمودند. عواید

این اوقاف مطابق نیت واقف خرج می شد و به دست خود واقف یا کسی که از طرف او تعیین می گردید اداره می شد. این روش خداپسندانه ادامه یافت و اصحاب و تابعین یکی بعد از دیگری برای تاسی به سنت نبوی و جلب رضای الهی - مالی را در راه خدا و یا برای اقربا و ذریه وقف می کردند. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

متأسفانه این سنت و سیره مرضیه بعدها تغییر ماهیت یافت و وقف در دست برخی، وسیله محروم ساختن بعضی از ورثه از ارث و یا فرار از مالیات و امثال آن قرار گرفت. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

### وقف از نظر اجماع و عقل :

در فقه امامیه نگارنده به قولی برخورد نکرده است که وقف را مشروع و حتی ممدوح نداند، و لذا بدون تردید می توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق فقهای سایر مذاهب اسلامی نیز، موافق قول امامیه اند تنها از ابوحنیفه و زفر بن هذین بن قیس عنبری بصری و ابوهدیل، از بزرگان اصحاب ابوحنیفه - مخالفتی نقل شده و در یکی از اقوال نیز جواز وقف به اسلحه و چارپا اختصاص یافته است. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

عموم اهل کوفه و شریح قاضی هم از ابوحنیفه پیروی کرده اند - گویا ابوحنیفه نهاد وقف را مستقل از نهاد وصیت نمی دانسته و یا عقیده داشته که صیغه وقف قادر به ازاله مالکیت مالک نیست، و یا اصلاً وقف را منافی با حقوق ورثه می دانسته است. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

### وقف در جوامع دیگر :

اعمال و عقود شبیه وقف در تمام اجتماعات بشری وجود داشته است. وجود انواع معابد در اجتماعات مختلف و تخصیص اموال و املاک به معابد، حکایت از نوعی وقف می کند. مؤسسه های خیریه فراوانی در سراسر جهان به وجود آمده و املاک و اموالی بر آنها تخصیص یافته و فروش و انتقال آن املاک و اشیاء نیز منع شده است. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

هنگام فتح شوش در بقعه دانیال پیامبر علیه السلام سندی به دست آمده که نشان می داد به منظور پرداخت وامهای بدون ربح نیز اختصاص یافته بود. خلیفه دستور داد آن گنج به بیت المال منتقل شود و طبق مفاد مندرج در آن سند عمل شود. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

در میان اعراب حجاز افرادی بودند که تحت شرایطی خاص تعدادی از چهارپایان و حتی گاهی فرزند خود را در مقام وفای به نذر در پای بتها قربانی می کردند و گوشت گوسفند و یا شتر قربانی شده را میان مردم و بویژه مستمندان تقسیم می کردند. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

زن عمران حمل خود را نذر کرد و مریم در مقام وفای به نذر صمت خود، حاضر به پاسخ نشد. و قوم صالح، ناقه او را که شاید موقوفه بود پی کردند.

در کشورهای اروپایی، وقف به معنایی که در قوانین ما وجود دارد به چشم نمی خورد، ولی فکر ایجاد سازمانی که دارای آن به هدفهای خیر و عام المنفعه اختصاص یابد از دیرباز وجود داشته و هم اکنون نیز بنیادهای خیریه در غالب کشورها، سهم بزرگی در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برعهده دارند - مانند بنیاد نوبل در سوئد و فورد و راکفلر در امریکا. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

نگارنده بر آن نیست که موارد فوق الذکر و همانندان آن تحت عنوان وقف قرار گیرد. زیرا هر کار خیری وقف نیست (و رابطه آن با خدمات عام المنفعه عموم و خصوص مطلق و به تعبیری دیگر عموم و خصوص من وجه است) گو این که روح وقف در برخی از آنان به چشم می خورد. (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق. ج ۱)

### راه های مصرف وقف

وقف به لحاظ مصالح عمومی از دیرباز موارد استفاده متنوع و گوناگون داشته و رایجترین موارد مصرف آن عبارتست از:

- ۱ - تعلیم و تعلم رایگان - (احداث مدارس و تهیه امکانات تحصیل برای جویندگان علم و دانش).
- ۲ - زاویه ها: مراکزی بوده اند که برای تحصیل علم، عبادت و خدمت رایگان به وجود آمده و مانند سفره ای رنگین در اختیار عموم بوده اند.
- ۳ - تهیه آب و آبیاری اراضی کشاورزی و مانند آن.
- ۴ - تاسیس کاروانسراها در مسیر کاروانها و قافله ها.

۵- مواردی از قبیل معالجه و درمان بیماران، کمک به زوار و مسافران، همدردی با فقرا و مستمندان. (سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱)

## اقسام وقف

وقف به اعتبارهای مختلف به انواع و اقسامی تقسیم می شود و از آن جمله :

منقطع الاول، منقطع الوسط، منقطع الآخر. با این توضیح که انقطاع ممکن است ناشی از جعل شارع و یا ناشی از جعل واقف باشد.

وقف به اعتبار قصد واقف. ممکن است تملیک منافع بر موقوف علیه مقصود باشد و یا صرف آن در موقوف علیه، و در صورت دوم ممکن است منظور صرف شخص منافع باشد و یا اعم از آن و بدلش. (وقف در منهاج الصالحین، م ۲)

وقف به اعتبار موقوف علیه به عام و خاص تقسیم می شود:

وقف عام وقفی است که مخصوص دسته و طبقه خاص نیست مانند وقف بر فقراء، روضه خوانی و اطعام، وقف بر طلاب علوم دینی و مساجد و غیره.

وقف خاص وقفی است که مخصوص دسته ای خاص باشد مانند وقف بر اولاد و ذریه شخص و غیره.

به بیان دیگر وقف عام وقفی است که برای انتفاع کل مردم قرار داده شده است و وقف خاص حق انتفاع را برای گروهی خاص در نظر دارد. (عمید، استادحسن، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، ۱۳۴۲)

از جمله تقسیمات دیگر وقف، وقف انتفاع و وقف منفعت است.

در وقف انتفاع نظر واقف از وقف تحصیل درآمد مادی نیست مانند احداث و وقف مسجد در زمین ملکی خود یا زمین موات.

در وقف منفعت همان طور که در «وقف به اعتبار قصد واقف» گفتیم نظر واقف تحصیل درآمد و مصرف درآمد در موارد مورد نظر واقف است مانند وقف ملکی برای حفظ و اداره مدرسه و غیر آن مثل روضه خوانی و اطعام (عمید، استادحسن، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، ۱۳۴۲)

## ارکان وقف

بنابر قول اکثر فقها ارکان وقف چهار مورد است:

۱- صیغه وقف

۲- موقوف (مال به وقف داده شده

۳- واقف

۴- موقوف علیه

## صیغه وقف

تمامی علمای شیعه امامیه و مذاهب اربعه بر این مطلب اتفاق نظر دارند که وقف با لفظ «وقف» تحقق پیدا می کند و این لفظ صراحت در وقف دارد و به هیچ قرینه لغوی، شرعی و عرفی احتیاج ندارد. (احکام وقف در شریعت اسلام، ج ۱، ۱۳۷۶)

به قول علامه حلی لفظ صریح در وقف، وقف است و لا غیر (احکام وقف در شریعت اسلام، ج ۱، ۱۳۷۶)

بعضی از فقهای امامیه از قبیل مرحوم آیت الله سید کاظم یزدی در ملحقات عروۃ الوثقی و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در وسیله النجاه و مرحوم حکیم در منهاج الصالحین فرموده اند که در وقف مسجد و مقبره احتیاج به صیغه نیست، یعنی اگر کسی مسجد را بنا کند و به مردم اجازه اقامه نماز بدهد و یا قطعه زمینی را جهت دفن اموات اختصاص دهد و اجازه دفن بدهد این عمل بتنهایی در تحقق وقف کفایت نموده و احتیاجی به گفتن لفظ وقف نیست. (منهاج الصالحین، ج ۲)

از مذاهب دیگر حنفیه و مالکیه نیز عرف محل را برای تحقق وقف کافی می دانند ولی شافعیه می گویند وقف تمام نمی شود مگر با خواندن صیغه وقف (احکام وقف در شریعت اسلام، ج ۱، ۱۳۷۶)

## موقوف

موقوف باید دارای چهار شرط باشد: لذا وقف چیزی که عین نباشد مانند طلب، یا مال مجهول صحیح نیست .

عین باشد (یعنی دین نباشد).

مملوک باشد (یعنی قابلیت تملک داشته باشد) و (مقوم باشد

با باقی ماندن عین، قابل انتفاع باشد).

به تصرف دادن آن صحیح باشد).

پس در موارد مملوک بودن موقوف باید گفت که وقف خوک و امثال آن (نجس العین) چون مسلمانان نمی

توانند آن را تملک کنند جایز نیست (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق) ج (۱)

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: آنچه وقف می شود باید قابل تملک و دارای منافع حلال باشد به

طوری که بشود با بقای اصل ملک به مدت قابل توجهی از آن منفعت برد ولی لازم نیست که هم اکنون قابل

بهره برداری باشد بلکه کافی است بعد از مدتی انتفاع شود مانند وقف چهارپای کوچک و نهال کاشته شده که

چندین سال بعد میوه می دهد صحیح است و نیز وقف ملکی که اجاره داده شده است، صحیح است و پس از

وقف اجاره به همان حال باقی می ماند (تحریر الوسیله، ج ۳)

اهل سنت سه شرط را در مورد موقوف معتبر می دانند.

۱ - موقوف باید دارای ارزش باشد که تلف کننده ضامن باشد - یعنی قانونگذار، آن را محترم بشمارد و

متخلف متجاوز را ضامن بداند و نیز تصرفاتی نظیر بیع و اجاره و هبه در آن جایز باشد لذا وقف کردن ام ولد

(کنیزی که از مولایش بچه دارد) و مال به رهن داده شده جایز نیست زیرا اینها قابلیت فروش ندارند.

۲ - موقوف نباید مبهم باشد بلکه مقدار، اوصاف و جنس آن باید معلوم باشد.

۳ - مورد وقف باید ملک واقف باشد. اکثر علما بر این مطلب اتفاق نظر دارند، ولی در این مساله اختلافاتی

دارند که آیا واقف باید در حین وقف مالک باشد یا مالکیت آتی نیز کفایت می کند؟

از نظر فقه مالکی مالکیت آتی را نیز کافی است. یعنی اگر کسی بگوید: «اگر فلان خانه را مالک شدم وقف

است» و بعدا آن را مالک شود وقف صحیح است و به انشاء جدید نیاز ندارد.

## واقف

واقف باید عاقل، بالغ و جائز التصرف باشد یعنی محجور نباشد (این شرایط را اکثریت قریب به اتفاق علمای اسلام و تمامی علمای شیعه برای وقف قائلند. ر.ک: کتب فقه)

همه مذاهب بر شرط بودن کمال عقل در واقف اتفاق نظر دارند و معتقدند وقف محجور صحیح نیست. از ابوحنیفه نقل شده است که وقف در ثلث اموال صحیح است مشروط بر این که در جهت بر و احسان باشد.

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: «وقف کننده بایستی عاقل، بالغ، مختار و غیر محجور باشد و ممنوعیتی از تصرفات در مالی که وقف می کند نداشته باشد بلکه وقف کافر هم صحیح است که می بایست این وقف در دین اسلام یا بر دین او مشروع باشد (تحریر الوسیله، ج ۳)

## موقوف علیه

در شرایط موقوف علیهم اختلافی بین فقها وجود دارد. علامه حلی سه شرط برای موقوف علیه بیان می کند.

۱. موقوف علیهم باید اهلیت تملک داشته باشد یعنی باید از کسانی باشند که بتوانند مالک شوند.

۲. موقوف علیهم باید معلوم باشند.

۳. این که وقف کردن به حرام نباشد - یعنی مسلمان نمی تواند چیزی را بر کافر حربی وقف کند اگر چه رحم او باشد ولی بر کافر (غیر حربی) هر چند کافر بیگانه باشد می توان وقف نمود (شرایع الاسلام، ۶۰۲-۶۷۶ ه.ق) ج ۱)

بعضی از فقها برای موقوف علیهم پنج شرط قائلند:

۱. موقوف علیهم باید در زمان وقف موجود باشند - یعنی وقف بر طفلی که بعدا متولد می شود از نظر فقهای امامیه، شافعیه، و حنابله صحیح نیست ولی مالکیه آن را جایز دانسته است.

۲. موقوف علیهم باید اهلیت تملک داشته باشند لذا وقف بر حیوانات جایز نیست.

بعضی از فقها وقف بر حیوانات را جایز نمی دانند ولی حضرت امام خمینی (ره) این گونه وقفها را جایز دانسته اند مانند وقف بر کبوتران حرم امام رضا علیه السلام.



۳. وقف بر معصیت خداوند نباشد مانند وقف بر مجالس قمار و شرابخواری ولی وقف بر کافر ذمی را اتفاق علما جایز دانسته اند.

مرحوم سید کاظم یزدی در ملحقات عروة الوثقی در باب وقف می فرمایند - بلکه وقف و نیکی و احسان بر کافر حربی هم برای ترغیب او بر خیر جایز است و معصیت خداوند نیست - چون که از بندگان خداوند و بنی آدمند ولی وقف بر خوارج و غلاة جایز نیست چون اینها به امیرالمؤمنین کفر ورزیده اند .

حضرت امام خمینی (ره) می فرمایند: «ظاهراً وقف بر کافر غیر حربی و مرتد غیر فطری - اگر رحم باشد صحیح است اما وقف بر کافر حربی و مرتد فطری محل تامل است (تحریر الوسیله، ج ۳)

۴. موقوف علیهم باید معین و غیر مجهول باشد پس وقف بر زن و یا مرد غیر مشخص باطل است .

۵. امامیه و شافعیه و مالکیه معتقدند وقف بر خود یا شریک قرار دادن خود با موقوف صحیح نیست ولی حنابله و حنفیه آن را صحیح می دانند ولی اگر بعد از وقف، واقف شرایط موقوف علیهم را پیدا کند می تواند از وقف انتفاع ببرد. (تحریر الوسیله، ج ۳)

## تاریخچه وقف

رسول خدا نظام وقف را در شهر مدینه برقرار کرد. پس از این واقعه به پیروی از سنتی که از رسول اکرم (ص) باقی مانده بود، وقف نقش بسزایی در عمران و آبادی شهرهای اسلامی ایفا کرد (عبدالستار عثمانی، محمد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، ۱۳۷۶)

بدین ترتیب وقف در جهان اسلام و همزمان با رسالت پیامبر گرامی اسلام تحقق پیدا نمود و متعاقب آن حضرت علی (ع) با عمران و آبادانی اراضی بایر و حفر چاه و ایجاد نخلستان، تمامی ثمرات و منافع این اراضی را تحت عنوان وقف در جهت استفاده افراد مستمند قرار دادند و این روش و سیره پسندیده از طرف ائمه اطهار (ع) علما، صالحین، افراد خیر و نیکوکار ادامه یافت. (عبدالستار عثمانی، محمد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، ۱۳۷۶)

در ادیان الهی، مساله وقف و صدقه جاریه جایگاه خاصی داشته و در طول تاریخ ایران روند ویژه‌ای را طی کرده است. در دوران حکومت‌های ایران در قبل از ظهور اسلام هم به مسأله‌ی وقف و نذر توجه می‌شد و به معابد و آتشکده‌ها از جمله آذر گشسب به عنوان نیاز و به صورت اموال و اشیا هدیه می‌شده است. (میراحمدی، مریم، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، ۱۳۸۳)

آریایی‌های ساکن ایران از دوره باستان، به تبعیت از آیین خود، به انجام دادن کارهای نیک و بویژه رسیدگی به وضع بینوایان جامعه، توجه کرده و برای نگهداری آتشکده‌های خود نذورات و موقوفاتی داشته‌اند. (سلیمی‌فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، ۱۳۸۹)

وقف در میان اقوام آریایی بر سه صورت بوده است که هنوز هم کم و بیش در میان زرتشتیان رایج است: نخست آشوداد. «آشو» به معنای در راه دین و «داد» از فعل دادن و به معنای بخشیدن است و کلا معنی بخشش ملک، جامه و غذا در راه خدا می‌دهد. دوم «نیاز» که عبارت است از خریداری و تقدیم وسایل و لوازم به معابد و آتشکده‌ها مانند فرش، چراغ و.. دیگر «گهنبار» که عبارت است از جشن‌هایی که پس از مراسم دینی برگزار می‌شده و در طی آن خوردنی و پوشیدنی میان نیازمندان تقسیم می‌شده است. (شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، ۱۳۸۷)

شواهدی متقن در دست است که می‌توان نتیجه گرفت که موقوفات در ایران باستان فقط متعلق به معابد و پرستشگاه‌ها بوده و مصارف دینی و مذهبی داشته است. همچنین از منابع قدیمی چنین استنباط می‌شود که وقف اموال به صورت ساختمان از دوران آل بویه و سلجوقیان بیشتر متداول شده است.

در عصر سلاجقه (۷۱۱-۴۲۹) به ویژه در دوران حکومت ملک شاه (۴۸۵-۴۶۵ ه ق) که اصفهان را به عنوان مقر حکومت انتخاب شده بود، شهر اصفهان توسعه یافت و وزیر دانشمند او، یعنی خواجه نظام الملک: بناهای زیادی را احداث و وقف امور خیریه نمود. از بناهای مهم آن عصر، مسجد جامع فعلی شهر و مدرسه نظامیه است. موقوفات هر عصری با ثروت انسان‌های هر دوران ارتباط داشته است شهر تاریخی اصفهان که در عصر ملک شاه پایتخت امپراتوری سلاجقه بود بدون شک در آن دوران یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین شهرهای جهان به شمار می‌آمد، زیرا مالیات سرزمین‌های پهناور سلجوقیان به این شهر سرازیر و در این شهر جمع‌آوری و خرج می‌شده و تردیدی نیست که موقوفات شهر نیز سهمی از آن را به خود اختصاص می‌داده است. (مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد بن ابی‌الرضاء، ۱۳۲۸)

در ادوار بعدی تاریخ ایران مانند دوره تیمور هم به مسأله وقف توجه می‌شد و به ویژه از موقوفات تیموری در خراسان بزرگ باید نام برد. غازان خان در شهرها و نقاط گوناگون تحت سلطه خود در ایران، اماکن مذهبی و عمومی فراوانی ساخت و برای همه آنها و حتی برای بیت المقدس و مشهد وقف کرد. غازان خان محله‌ای در

نزدیکی تبریز، موسوم به «شنب غازان» احداث کرد و موقوفاتی برای آن قرار داد. (دونالدن ویلبر، معماری ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، ۱۳۴۶)

رشیدالدین در عمران و آبادانی ولایات، اعم از روستا و شهرها همت وافر مبذول داشته و عمر او در آبادانی و وقف گذاشته است. وی بناها و مجموعه‌های بسیاری در شهرهای کشور احداث کرد و برای هر کدام موقوفاتی به مقدار کافی معین کرد. احداث «ربع رشیدی» مهم‌ترین اقدامی بود که او در زمینه عمران شهرها انجام داد. بنابر مطالب و مندرجات مکاتبات رشیدی، ربع رشیدی که محله‌ای در تبریز بود، دارای سی هزار خانه، هزار و پانصد دکان، بیست و چهار کاروانسرا، تعدادی مسجد، مدرسه، حمام، باغ و چند کارخانه شعر بافی، کاغذ سازی، رنگ رزخانه و دار الضرب و غیره بود. (رشیدالدین فضل الله، وقف نامه ربع رشیدی، ۱۳۷۳)

ربع رشیدی ممتازترین مؤسسه موقوفه و بزرگ‌ترین مرکز علمی و فرهنگی و مدنی عصر ایلخانان است، که به دست رشیدالدین فضل الله وزیر فرزانه ایلخانان (مغول) در تبریز در قرن هشتم هجری قمری احداث شد، و پس از قتل او توسط آخرین پادشاه ایلخانی (ابوسعید بهادر) و سپس در دوره های بعدی با خاک یکسان گردید. امروز جز مخروبه آن در نزدیک شهر تبریز که توسط محله‌های جدید اشغال گردیده، چیزی از آن باقی نمانده است.

رشد و بالندگی شهرها در قلمرو عثمانی و صفوی از قرن شانزدهم تا قرن هجدهم میلادی تقریباً بدون نهاد وقف غیر قابل تصور است. (موسی مصطفی و ضیاء توانا محمد حسین، «شهر شرق اسلامی: مدل و واقعیت»، ۱۳۸۳)

در دوره عثمانی، ساختن مجموعه‌های شهری منطبق با سنت وقف رایج می‌شود. این مجموعه‌های عام المنفعه شهری به دور هسته‌ی مسجد یا مدرسه و حمام و سرا و میدان و خان، مراکز فعال شهری را در مفصل‌های مهم بازارها تشکیل می‌دادند. موقوفاتی که برای این مجموعه‌ها در نظر گرفته می‌شد. همزمان با فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی خود مجموعه عامل مهم در تضمین تحرک و پویایی و شکوفایی شهرها بودند. نمونه این مجموعه‌های شهری از دوران صفویه و قاجار در ایران هنوز پا برجا و قابل توجه هستند. (اعتضادی، لادن، «نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان نشین»، ۱۳۷۷)

در عصر صفوی توجه به امور موقوفات بیشتر شد. در این دوره به ویژه شاهان صفوی، خود امور موقوفه را تقویت می‌کردند و املاک و اموال زیادی را به اماکن مورد احترام مانند آستانه مبارکه مشهد، قم و نیز اردبیل

که آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است، وقف کردند. در عصر صفوی بزرگان و شاهان خود مشوق امور خیریه و وقف بودند و مقدار زیادی از اموال خود را وقف نمودند. دو بنای موقوفه در اصفهان وجود دارد که در زمان شاه عباس در کنار بازار شهر وقف شد. این دو عمارت یکی دار الشفاء و دیگری کاروانسرای مسگران است. (میراحمدی، مریم، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، ۱۳۸۳)

بدین ترتیب خاندان صفویه در طول تاریخ ایران به عنوان پرچمدار وقف شناخته شده‌اند. شاهان صفوی به موقوفات کشور توجه خاص داشتند و پیوسته نظارت عالی بر آنها را نیز برعهده داشتند. قرن دهم و یازدهم هجری قمری، دوران شکوفایی و توسعه موقوفات شهر اصفهان بوده است. در عصر صفویه، علاوه بر موقوفاتی که از سابق باقی مانده بود، وقف، رشد چشمگیری یافت و خصوصاً از سلطنت شاه عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات صورت گرفت. اغلب اعیان و مالکان اموال خود را وقف کردند. در رأس همه آنها شاه عباس قرار داشت که سرمشق بزرگان بود و در سال ۱۰۱۶ ه ق کل املاک خاصه خود، از خانات و قیصریه و چهار بازار و حمامات و غیره را به چهارده تقسیم بر چهارده معصوم وقف کرد. در عصر صفویه، به ویژه دوران شاه عباس اول، کاروان سراهای متعدد ساخته شد که تعداد آنها را در ایران ۹۹۹ باب نوشته‌اند، تاورنیه سیاح فرانسوی آنها را «مهمان خانه‌های مشرق زمین» می‌نامد. (میراحمدی، مریم، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، ۱۳۸۳)

هرج و مرج و نابسامانی‌های سیاسی، اداری و اقتصادی دوره خلفای عباسی از یک سو و گسترش بیداد و تجاوز حکام به مالکیت‌های اشخاص، از دیگر سو باعث شد که نهضت وقف بر مراکز عام المنفعه در میان مالکان و ثروتمندان به راه افتد و تقویت شود؛ زیرا ایشان وقف املاک خود بر اماکن خیریه عمومی را تنها راه نگهداری مال از تعدی حکومت می‌دانستند که از طرفی ثواب اخروی را نیز به خاطر دعای خیر مردم به همراه داشت. (طیبی، محسن، «مرمت مسجد ضرورت بازنگری در اندیشه‌ها و روشها»، ۱۳۸۶)

بنابراین دوره حکومت صفوی را، که اوج پایگیری تفکر مذهب و شیعه در سرتاسر ایران بوده است، باید نقطه عطفی در فرهنگ وقف در ایران و اوج اعتلای این سنت حسنه دانست. شاهان صفوی که خود از پیشگامان وقف در ایران بوده‌اند، آن چنان فرهنگ وقف را در میان مردم رایج ساختند که دیگر وقف مختص مالکان بزرگ و ثروتمندان نبود بلکه بیشتر مردم نیز بنا به وضع مال خود، در این امر خیر شرکت می‌کردند. (راوندی، مرتضی تاریخ اجتماعی ایران، ۱۳۷۴)

اما از دوران صفویه به بعد، یعنی پس از نفوذ فرهنگ بیگانه و رواج شیوه‌های تفکر غربی در نظام اداری و فرهنگی کشور، بینش وقف، سازندگی، کارایی، تحرک و مدیریت قبلی خود را در حد وسیعی از دست داده است، اما به سبب جهان بینی و اعتقاد مردم به دین مبین اسلام، ریشه این اندیشه خیر به کلی خشک نشده و افراد نیکوکار و خیر و معتقد به وقف دارایی‌های خود، قدم‌های مؤثری در عمران و آبادانی شهرها و شهر اصفهان به ویژه مکان‌های مذهبی و عام‌المنفعه برداشته‌اند. (راوندی، مرتضی تاریخ اجتماعی ایران، ۱۳۷۴)

میزان موقوفات حکایت از اعتقادات مذهبی و شرایط اقتصادی مردم دارد. یکی از علل کاهش اشتیاق به وقف را، بخصوص در محله‌های جدید و اعیان نشین، می‌توان اعتقادات مذهبی گروه‌های از مردم دانست. البته در این میان مسأله امنیت را نیز نباید فراموش کرد. اگر صاحب ملکی از سیاست دولت پروا داشت، برای حفظ ملک خود آن را وقف می‌کرد، ولی در تصرف خود ننگه می‌داشت. بنابراین به مرور مردم کمتر به عملکرد مستبدانه دولت توجه می‌کردند و یا شاید مالکیت آنها در محله‌های جدیدتر بر پایه و اساسی محکم‌تر قرار می‌گرفت که نیازی به وقف کردن املاک خود نمی‌دیدند. (اتخادیه، منصوره، «موقوفات تهران و تحول شهر ۱۳۲۰ - ۱۲۶۹ ه. ق»)

بی تردید وقف در دوره قاجاریه، که دوران تشکیل هسته اولیه تهران کنونی به شمار می‌آید، نقش اساسی و غیر قابل انکار داشته است. در نظام سنتی قاجار اغلب نهادهای مدنی، حتی اگر دست اندر کاران حکومت بانیان آن بوده‌اند، در قالب وقف و متکی به نظام استوار وقف عمل می‌کرده است. نظامی که از یک سو به صورت غیر دولتی، و از سوی دیگر پس از اجرای صیغه وقف به صورت غیر خصوصی عهده دار فعالیت‌هایی بوده است که اکنون در حیطه کار وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش و آموزش عالی (مکاتب و مدارس) - بهداشت و درمان (دارالشفاه، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها) بهزیستی و تأمین اجتماعی (ایتام و مستمندان عجزه و ارامل)، راه و ترابری (پل‌ها و جاده‌ها)، نیرو (قنات و آب انبارها و یخچال‌ها) اقتصاد (بازارها و دکاکین)، جهاد سازندگی و کشاورزی (زمین‌های زراعی و باغات)، وزارت ارشاد، و تبلیغات اسلامی (نشر کتب و تبلیغ دین)، حج و زیارت و حتی سازمان میراث فرهنگی (حفظ و احیای آثار و بناهای مذهبی و عام‌المنفعه) است. (اتخادیه، منصوره، «موقوفات تهران و تحول شهر ۱۳۲۰ - ۱۲۶۹ ه. ق»)

در دوره قاجار، ثروتمندان برای رفع نیازهای مردم از طریق وقف اقدام می‌کردند؛ مانند عیسی بیگلربیگی. در دوره پهلوی ثروتمندان کمتر از طریق وقف به کمک نیازمندان می‌شتافتند. در دوره پهلوی واقفان برای اجرای نیات خود رقباتی را که بتواند بیشترین درآمد داشته باشد وقف می‌کردند و نوع رقابت هر دوه متناسب با شرایط

اقتصادی حاکم بر آن دوره بوده است. در دوره پهلوی چشم اندازها و نقاط فرهنگی ناشی از وقف که در قالب‌های مکان‌های مذهبی، آموزشی، درمانی، تجاری، مسکونی و غیره تجلی می‌کند، بیشتر در سراسر شهر توزیع شده‌اند و در دوره قاجار، رقابت بیشتر در محدوده بازار و اطراف آن متمرکز بوده‌اند. در دوره پهلوی شکل دیگری از وقف که تشکیل نهادها و بنیادهای خیریه است، به وجود می‌آید. (شاه حسینی، پروانه، «وقف شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره قاجار و پهلوی، ۱۳۷۷»)

آن گونه که تاریخ شهادت می‌دهد، موقوفات پیوسته متناسب با نیازهای اجتماعی به وجود آمده‌اند. در مناطق خشک و نیمه خشک، احداث آب انبارها و تأمین آب آشامیدنی مردم؛ در مسیر کاروان‌ها ساخت کاروانسراها، در محیط‌های مناسب علمی احداث مدارس و در مناطق نیازمند و بیماری زا تأسیس درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های موقوفه، از جمله اقدامات واقفان مسلمان است. بدین ترتیب واقف با توجه به مقتضیات هر زمان عمل به وقف کرده است؛ مثلاً در دوره قاجار پیش از تأسیس مدرسه دارالفنون، برای حفظ و نشر مذهب از طریق ایجاد مدارس علمیه عمل به وقف می‌شد. اهمیتی که واقفان این دوره به این مدارس می‌دادند را می‌توان در سبک‌های معماری و تزئینات این مدارس و حجم موقوفاتی که برای آنها قرار می‌دادند، دید. پس از تأسیس مدرسه دارالفنون و آشنایی با دانش جدید، مدرسی به سبک جدید احداث و وقف می‌شد. این روند در حکومت پهلوی و به دنبال آن در جمهوری اسلامی با ایجاد مؤسسات و بنیادهای خیریه وقفی ابعاد وسیع تری یافت و بر تعداد نقاط فرهنگی ناشی از وقف در کشور افزود؛ مانند موسسه فرهنگی لیستر یا بنیاد فرهنگی البرز. (شاه حسینی، پروانه، «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی»، ۱۳۷۷)

## نتیجه گیری:

هرچند استفاده از خدمات وقف مختص به قشر خاصی از مردم ساکن در یک شهر نیست ولی به جرأت می توان گفت که بهره برداران اصلی از موقوفات اقشار آسیب پذیر مستضعف و نیازمند جامعه خواهند بود.

در مبانی معماری و شهرسازی، نشانه ها عواملی هستند که به وسیله آنها قسمت های مختلف یک شهر قابل تشخیص باشند. معمولاً اشیایی که ظاهری مشخص دارند همچون ساختمان ها، علائم، فروشگاه ها یا حتی یک کوه می تواند معرف نشانه ای باشد. نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان سایر عوامل، شناسایی کرد. از آنجایی که نشانه ها نمایانگر عمق باورها و شمایی از اصول حاکم بر تفکر ملت هاست، لذا با نشانه قرار دادن جایگاه وقف و موقوفات در شهرها عملاً پایه های این سنت پسندیده در جامعه تحکیم یافته تر و اشتیاق افراد برای ربودن گوی سبقت در این عمل خدایسندانه مضاعف تر خواهد شد. در همین ارتباط بخش قابل توجهی از موقوفات که دارای ارزش و اعتبار معنوی در جامعه هستند و از جایگاهی ویژه نزد افکار عموم مردم برخوردارند را می توان به عنوان نشانه یا نماد مطرح کرد و با برجسته کردن آنها در کالبد شهرها، نظرها و توجه ها را بدان ها معطوف کرد. بدیهی است که لازمه رسیدن به این هدف، اندیشیدن تدابیری خاص در حوزه معماری و شهرسازی است که هم اکنون جزو تکنیک های منحصر به فرد و مدرن این فن درآمده است. این تکنیک در شهرهایی که از سیستم شعاعی یا ترکیبی تبعیت می نمایند بسیار مطلوب به نظر می رسد.

انتخاب محل مناسب برای استقرار اماکن وقفی در شهرها باید در چارچوب اصول حاکم بر شهرسازی و الگوهای جدید معماری باشد و به منظور حفظ اعتبار و ارزش این سنت خدایسندانه، مسئله مکان یابی آنها در مجموعه شهرها می بایست با دقت و حساسیت خاصی دنبال شود. دور کردن موقوفات از هسته مرکزی شهرها از تأثیرات فزاینده آنها خواهد کاست و از سویی دیگر نزدیکی زیاد آنها به محل تجمع و تراکم جمعیت باعث خواهد شد که جایگاه ارزشمند آنها در زندگی پرتکاپو، تکراری و پرازدحام مردم شهرها گم شود.

ابنیه ای که توسط افراد خیر جامعه وقف می گردند، غالباً دارای یکسری ویژگی های منحصر به فرد (چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی) در خود هستند که آنها را از سایر موارد مشابه متمایز می نماید. این تمایز، در جنبه های معنوی و ارزشی چشمگیرتر و محسوس تر خواهد بود.

موقوفات طیف وسیعی از فضاهاى شهری را شامل مى گردد. اماکن مذهبی، آموزشی و درمانی نمونه هایی مشخص از اماکنی است که به نیت قربت و به قصد استفاده عموم مردم از مزایا و ثمرات آنها توسط افراد خیر وقف می گردند. اگر کاربری موقوفات را از حالت انحصاری و نسبتاً محدود کنونی خارج نماییم و زمینه های تجلی و حضور آنها را بنا به مقتضیات، نیازها و شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه به تمامی عرصه های فعال شهرها بسط و گسترش دهیم، خواهیم توانست در خصوص اشاعه و فراگیر کردن این سنت پسندیده در جامعه و فراهم کردن زمینه استفاده فراوان تر عموم مردم از خدمات متنوع موقوفات، اقدام شایسته تر و جدی تری به عمل آوریم.

### منابع و ماخذ:

- ۱- دکتر جعفری لنگرودی، سال ۱۳۷۴، کتاب مبسوط ترمینولوژی، تهران، انتشارات گنج
- ۲- دونالدن ویلبر (۱۳۴۶)، معماری ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۳- رشیدالدین فضل الله، سال ۱۳۷۳، وقف نامه ربع رشیدی، تهران، انجمن آثار ملی
- ۴- سلیمی فر، مصطفی، سال ۱۳۸۹، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- ۵- شهابی، علی اکبر، سال ۱۳۸۷، تاریخچه وقف در اسلام، تهران، اداره کل اوقاف تهران
- ۶- عبدالستار عثمانی، محمد، سال ۱۳۷۶، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیرکبیر
- ۷- مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، سال ۱۳۲۸، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن محمد بن ابی الرضاء
- ۸- موسی مصطفی و ضیاء توانا محمد حسین، سال ۱۳۸۳، «شهر شرق اسلامی: مدل و واقعیت»، مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیای مشهد